

Ruzbihan Baqli Shirazi's Views on Aesthetics

Samira Afraz

PhD student of Philosophy of Art, Faculty of Arts, Islamic Azad University, Central Branch, Tehran branch, Tehran, Iran.

Esmail Bani Ardalan *

Associate Professor, Department of Art Studies, University of Art, Tehran, Iran.

Hadi Rabiei

Assistant Professor, Department of Philosophy of Art, University of Art, Tehran, Iran.

Abstract

The concept of beauty has always been at the center of attention of mystics and thinkers in the field of Islamic mysticism from ancient times to modern times. Therefore, many questions have been raised about beauty and what it is and how it is, and various views about different aspects of beauty, including aspects of knowledge and how its cognitive value has been formed. Ruzbihan Baqli Shirazi is one of the mystics who has directly and indirectly mentioned this issue in his works. In this research, Ruzbihan Baqli Shirazi has been discussed in his broad worldview. In fact, the concept of beauty has been in the focus of Ruzbihan's attention. Ruzbihan Baqli has interpreted and analyzed his mystic school based on verses and Hadiths. The debates raised about Ruzbihan Baqli Shirazi's aesthetics have been examined in four aspects: *Jamal*, *Mustabsan*, *Mustaqbab*, and *Hosn*. This issue is discussed more in his mystical book which is named *Abhar al-Ashqeen*. Ruzbihan Baqli considers beauty at all levels to reflect the beauty of the Holy Essence. In a clear example of human love, he expresses the love of Prophet Yaqub for his son Yusuf. *Jamali* and *Jalali* attributes for Ruzbihan is one of the points to consider, he regards both of these words to be attributes of God, it is based on these words that Ruzbihan Baqli goes beyond and uses his own innovative words, namely *kehf* and *raja*, *qab*, and *bast*. All these states cultivate the Sufi soul, and in this way it is freed from pollution, and in this way the seeker discovers the beauty of God. Love is another attribute of the Holy Essence, which according to Ruzbihan,

in order to reach divine love, must be thorough. Let's find human love to enter it. The most important word that conveys the meaning of beauty in Ruzbihan Baqli's thought is *Hosn*, *Hosn* is one of the attributes of the Holy Essence and whenever God wills, He bestows His love on His servant and manifests His beauty on his heart. Ruzbihan Baqli ranks goodness, and states that the reason that all creatures are beautiful is that they are born from the essence of the oneness. Regarding the relationship between beauty and love, Ruzbihan states that beauty cannot be seen with just the sensuous eye, beauty is an internal matter and this is realized when it reflects his divine essence on man. He has expressed the words "*mustabsan*" and "*mustaqbab*" in the face of the beauty of the holy essence. Based on this, whenever a person succeeds in meeting the truth, he will be praised and if he does not succeed in meeting the truth, he will be rejected. Ruzbihan elsewhere discussed the words *tashbih* and *tanzih*. He argued that they are related to manifestation in some way. According to Ruzbihan Baqli, what belongs to *tanzih* is related to the Holy Essence, and what belongs to *tashbih* is related to God's attributes, which include love, goodness, and kindness. In general, Ruzbihan Baqli Shirazi considers the vision of the Holy Spirit in discovery and intuitions to be expressed in symbolic form.

Keywords: Aestheticism, Ruzbihan Baqli Shirazi, Beauty, Love, and Mystical Experience.

* Email (corresponding author): bani.ardalan@yahoo.com

حُسن شناسی در تفکر روزبهان بَقلی شیرازی

سمیرا افراز

دانشجوی دکتری گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

اسماعیل بنی اردلان *

دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران، نویسنده مسئول

هادی ربیعی

استادیار، گروه فلسفه هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران

چکیده

مفهوم زیبایی از دیرباز تا دوران معاصر همواره در کانون توجه عارفان و اندیشمندان حوزه عرفان اسلامی جای داشته است. از این رو، مسائلی فراوان نیز در خصوص زیبایی و چیستی و چگونگی آن مطرح شده و دیدگاه‌های گوناگونی درباره ابعاد مختلف زیبایی، از جمله وجوه معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی آن شکل گرفته است. روزبهان بَقلی شیرازی از جمله عارفانی است که در آثارش، به صورت مستقیم و غیرمستقیم به این موضوع اشاره کرده است. اما تاکنون مفهوم زیبایی در اندیشه وی با توجه به ساختار تفکر عرفانی اش به طور جدی مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. بر این اساس، هدف از این پژوهش این است که به شیوه توصیفی تحلیلی با بررسی ابعاد معرفتی مشرب عرفانی روزبهان و تحلیل توصیفاتی از زیبایی که او از کشف و شهودات خود به دست آورده، کیفیت و ویژگی‌های مشخصه تلقی عرفانی روزبهان از مقوله زیبایی سنجیده شود. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش، تبیین روایت گسترده‌تر روزبهان، نسبت به دیگر عرفا، از مفهوم و مصادیق زیبایی است. یافته‌های این پژوهش حاکی از توجه ویژه روزبهان به جایگاه مفهوم زیبایی در حیطه‌های گوناگونی همچون تفسیر آیات قرآنی، کشف و شهودات و تجارب عرفانی است. افزون بر این، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اگرچه مواجهه او با مفهوم زیبایی، گاه با وجود اشتراکاتی با سنت فلسفی پیش از خود و از طریق تفکرات انتزاعی و ذهنی صورت گرفته است، اغلب جنبه‌های تخیلی و شهودی دارد و از این رو، او با واژگان ابداعی خود نیز در مورد زیبایی سخن گفته است. از مهم‌ترین واژگانی که او در این مباحث به کار می‌برد، حُسن، جمال، مستحسن و مستقیح هستند. در نهایت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که واژگان ابداعی روزبهان درباره زیبایی، بسته به نوع کشف و شهودات عرفانی و تنوع تجارب عرفانی تنوع یافته است.

واژگان کلیدی:

زیبایی‌شناسی، روزبهان بَقلی شیرازی، زیبایی، عشق، تجربه عرفانی.

*مسئول مکاتبات: bani.ardalan@yahoo.com

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «مبانی حکمی و عرفانی مفهوم زیبایی در مکتب شیراز با تأکید بر آرای قطب‌الدین شیرازی و روزبهان بَقلی شیرازی» است که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ارائه شده است.

زیبایی یا به تعبیر صحیح‌تر آن «حُسن» و «جمال» در عرفان اسلامی از شأنی وجودی یا انتولوژیک برخوردار است. بنابر نگرش عرفانی، سوژه انسانی نه معیار زیبایی بلکه صرفاً مُدرک آن است و زیبایی خود مبنا و معیار والاتری دارد. در موضوع زیبایی‌شناسی یا به تعبیر درست‌تر آن، حُسن‌شناسی نخستین و البته مهم‌ترین مفاهیم، مفهوم تجلی است. این مفهوم خاص عرفاست و در پاسخ به چپستی رابطه موجودات با خداوند مطرح می‌شود. البته باید خاطر نشان کرد که این ارتباط در واقع برخلاف تلقی متکلمان، به معنای حلولی دانستن آن نیست و عرفا مدعی آن نیستند که خداوند در مخلوقات حلول کرده است. به بیان دیگر، سخن از ظهور و تجلی ذات اوست و نه حلول و چون او حس مطلق است، پس تجلیات محسوس او نیز زیباییند (Pazouki, 2012, p: 57).

در میان عارفانی که به مفهوم زیبایی توجه کرده‌اند، شاید هیچ‌کس به اندازه روزبهان بقلی پرآوازه نبوده است و همواره آثار او سرلوحه اصلی آثار دیگر عرفا در این زمینه قرار گرفته است. این پژوهش در تلاش است تا در بین آثار این عارف مشهور، به بررسی دامنه و گستره زیبایی‌شناسی وی اهتمام ورزیده و نشان دهد از نظر او چه اموری مصداق زیبایی دانسته می‌شود؟ یا زشتی از نظر او چگونه تعبیر می‌شود؟ جایگاه هریک از واژگان معادل زیبایی نزد او چگونه است؟ و او درباره آن‌ها از چه

تعاریف و تشبیهاتی بهره برده است؟ او هرکدام از این مفاهیم را با چه مفاهیمی مرتبط می‌داند و چه نتایجی از برقراری این ارتباط گرفته است؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، نیازمند ارائه تعریفی تحلیلی و روشن از مفاهیم حُسن، جمال و عشق در تفکر روزبهان است. در پژوهش حاضر، این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد و از آنجاکه رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، بدون در نظر گرفتن مبانی عرفانی روزبهان امکان‌پذیر نیست، از این رهگذر تلاش می‌کنیم تا به مشرب عرفانی وی در مورد زیبایی پی ببریم. روزبهان بقلی در مورد زیبایی مباحث قابل توجهی مطرح کرده است و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی زیبایی‌شناسی عرفانی دارد، اما این زیبایی‌شناسی عرفانی به صورت منسجم بررسی نشده است، هرچند محققان برخی رشته‌های مختلف از منظر حوزه دانش و تخصص خود از جمله به لحاظ مابعدالطبیعی، عرفانی، ادبی و... به بررسی آثار روزبهان پرداخته‌اند. بر این اساس، اهمیت و ضرورت این تحقیق از جهت لزوم توجه ویژه به مبانی معرفتی و واژگان ابداعی روزبهان بقلی است. چراکه یافته‌های این تحقیق از سویی ما را در فهم هرچه بیشتر زیبایی‌شناسی روزبهان بقلی رهنمون می‌کند و از سویی دیگر، اصطلاحاتی را برای تبیین مناسب‌تر دیدگاه‌های عارفان درباره زیبایی ارائه می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون چندین کتاب، پایان نامه و مقاله درباره دیدگاه‌های روزبهان بقلی شیرازی در زمینه‌های مختلف منتشر شده است. اما به طور خاص در این آثار، مشخصه‌های مفهوم حُسن و رابطه آن با عشق در سنت عرفانی روزبهان بقلی به طور تفصیلی بررسی نشده است. (پازوکی، Pazouki, 2011) در مقاله‌ای با عنوان «حکمت زیبایی و هنر در مکتب شیراز بر اساس دو کتاب عبهرالعاشقین روزبهان بقلی شیرازی و درةالتاج قطب‌الدین شیرازی» به بررسی حکمت زیبایی و هنر در مکتب شیراز، بر اساس آرای روزبهان بقلی شیرازی در موضوع زیبایی و قطب‌الدین شیرازی در موضوع هنر پرداخته شده است و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که فهم این عارف و حکیم از هنر و زیبایی متفاوت از مفهوم زیبایی‌شناسی (Aesthetic) به معنای مدرن آن است. با وجود اینکه در این مقاله به مکتب شیراز پرداخته شده است، اما آثار متعدد روزبهان که در آن‌ها مفهوم حُسن بیان شده، مورد توجه قرار نگرفته است و صرفاً کتاب عبهرالعاشقین مورد استناد قرار گرفته است. ضمناً در مقاله فوق رابطه مفهوم حُسن با سایر مفاهیم عرفانی مورد بحث نبوده است. تمدن و اژه‌ای (Tamadon & Ejeheei, 2019). در مقاله «بررسی آثار تجلی صفات جمالی و جلالی خدا در

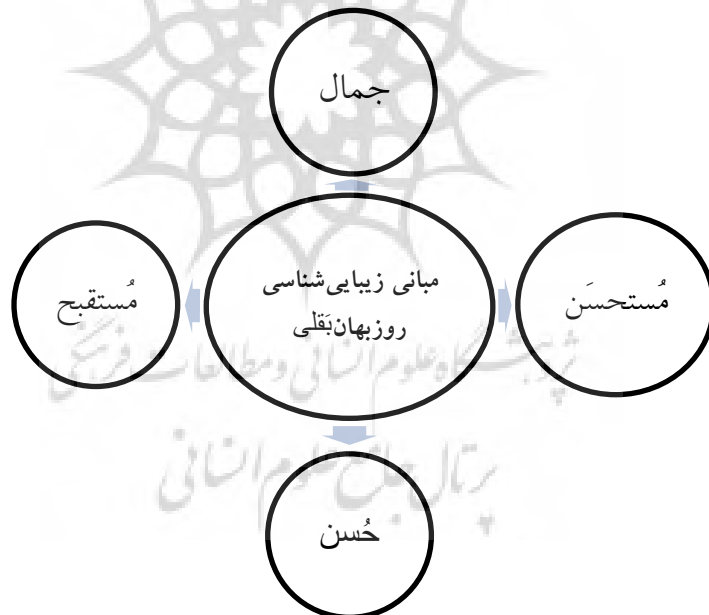
سالک از دیدگاه روزبهان بقلی» به بررسی مراحل سلوک برای رسیدن به معرفت الهی و توحید از دیدگاه روزبهان بقلی پرداخته‌اند که از خوف شروع می‌شود و به رجاء می‌رسد. پژوهش فوق به این نتیجه رسیده است که روزبهان مشرب خود را بر اساس عشق و محبت و امید به عفو الهی بنیان نهاده است. در مقاله مذکور، مفهوم جمال صرفاً از جهت جایگاه آن در میان صفات الهی مورد توجه قرار گرفته است و گستره مفهومی حُسن تحلیل و بررسی نشده است. خیاطیان و سلیمانی کوشالی (Khayatian & Koshali, 2015) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه عشق در تفسیر عرایس‌البیان روزبهان بقلی» به مسئله جایگاه عشق در اندیشه عرفانی در قرن دوم و ادامه آن در اندیشه روزبهان بقلی که به اوج خود می‌رسد، پرداخته‌اند. در آن مقاله تأکید بر مفهوم عشق بوده و مفاهیمی همچون حُسن و استحسان به طور تفصیلی بررسی نشده است. ضمناً مفهوم عشق فقط در یکی از آثار روزبهان بررسی شده است و به دیگر آثار او پرداخته نشده است. نیری و روغن‌گیری (Nayeri, 2012) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تأویل‌های عرفانی روزبهان در عبهرالعاشقین و عرایس‌البیان» به بررسی اجمالی تأویل‌های قرآنی روزبهان، بر اساس مکتب عشق و جمال‌پرستی پرداخته‌اند. نتایج این

عبرالعاشقین پرداخته‌اند. اما در پژوهش حاضر به دیگر کتاب‌های روزبهان هم پرداخته می‌شود. هادی سرایی (Hadisarai, 2014) در «بررسی احوال و آثار روزبهان بقلی شیرازی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، به معرفی روزبهان پرداخته و سه اثر مهم وی عبر العاشقین، شرح شطحیات و عرایس البیان، را معرفی کرده است. عبداللهی آرپناهی (Abdollahie Arpanahi, 2011) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی آرا شیخ روزبهان بقلی شیرازی درباره زیبایی» پرداخته است. اما در پایان‌نامه فوق از برخی از آثار روزبهان، استفاده چندانی صورت نگرفته است. همچنین مفهوم استحسان و رابطه حسن و عشق به‌طور مفصل تحلیل و بررسی نشده است بلکه بیشتر بر جنبه‌های متافیزیکی تفکر روزبهان تأکید شده است.

۲. مباحث مربوط به زیبایی در مکتب عرفانی روزبهان

بقلی

مباحث مطرح‌شده در باب حسن (زیبایی) روزبهان بقلی، در چهار ساحت قابل‌طرح و بررسی است:



شکل ۱: دایره مفاهیم مرتبط با زیبایی‌شناسی روزبهان بقلی
Fig. 1: The circle of concepts related to The aesthetics of ruzbihan baqli.

۳. جمال‌پرستی از منظر زیبایی‌شناسی روزبهان بقلی
در عرفان و تصوف اسلامی به‌صورت کلی، دو گرایش سکر (مستی) و صحو (هوشیاری) وجود دارد هرکدام از عارفان بر مبنای مکتب عرفانی خود، حالات و مقاماتی دارند و گرایش به یکی از این دو مورد دارند که با یکدیگر متفاوت هستند و حتی هیچ عارفی مانند عارف دیگر سلوک نمی‌کند. سلوک و حالات افراد و عدد انفس خلائق هست؛ بنابراین اگر روزبهان حالات روحی متمایز و متفاوتی با دیگر عرفا دارد، امری بدیهی است.

پژوهش حاکی از آن است که در کتاب عبرالعاشقین، عشق و جمال تحفه‌هایی الهی هستند که سبب امتیاز آدمی بر سایر مخلوقات می‌باشد. تأکید این مقاله بر تأویل‌های قرآنی روزبهان است و به‌گستره مفهوم حسن، آنچنان که روزبهان در آثار متعدّدش بیان کرده، پرداخته نشده است. شیخ‌الاسلامی و رضایی (Sheykh-al islami & Rezaeei, 2011) در مقاله‌ای با عنوان «بینش نقش‌اندیش روزبهان در تفسیر عرایس البیان فی حقایق القرآن» به تفسیر عرایس البیان فی حقایق القرآن پرداخته‌اند و نتایج به‌دست آمده نشان داده است که روزبهان با به‌کارگیری بیانی شاعرانه در قالب ترکیبات و جملات تشبیهی، سعی در بیان مکاشفات خود از آیات قرآنی دارد. شکری و دیگران (Shoukri & others, 2020) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر اندیشه‌های نوافلاطونی در باب بهره‌مندی و صدور اصطلاح التباس در اندیشه روزبهان بقلی شیرازی» به بررسی اصطلاح التباس که از منابع فکری روزبهان بوده پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که او این واژه را تحت تأثیر اندیشه‌های افلاطون و فلوپین و از طریق ترجمه آثار ایشان اقتباس کرده است. طهماسبی و دیگران (Tahmasebi & others, 2021) در «زیبایی‌شناسی مکاشفات عرفانی در عبرالعاشقین» به بررسی عرفان روزبهان فقط در کتاب

در مکاتب عرفانی، عرفا از حسن به زیبایی یاد کرده‌اند و از جمال به نیکوئی و خوبی. آن‌ها هر دو این واژگان را به‌صورت مکمل در متون عرفانی به کار برده‌اند. اما اگر حسن و جمال، به معنای خاص آنها، را مورد مذاقه قرار دهیم، به‌نظر می‌رسد که اغلب عرفای اسلامی حسن را به ذات احدیت منصوب داشته‌اند و جمال را به‌نوعی مرتبط با افعال و صفات ذکر کرده‌اند.

در واقع، روزبهان بقلی تلاش نموده مکتبی بر مبنای ذوق بنا نهد. مکتبی که به سوی عوالم بالا یا به نحوی از طریق کشف و شهود پدید آورده است. روزبهان بقلی عارفی است که به صورت گسترده نسبت به عرفای دیگر به مکتب جمال پرستی روی آورده و پیشروی‌های زیادی در این زمینه داشته است؛ اما گرایش روزبهان بیشتر به جمال پرستی و زیبایی پرستی انسانی است که با توجه به معنویت درونی خود به آن رسیده است و از جمله زیبایی انسانی.

در اندیشه و تفکرات عرفانی روزبهان، زیبایی در همه سطوح جلوه‌گر است؛ از صفتی انسان گرفته و روح او را در برمی‌گیرد و حتی نباتات و جسم‌های مادی را نیز شامل می‌شود. او «خدا را به گل سرخی تشبیه می‌کند که همه منظره را فرامی‌گیرد» (Baqli Shirazi, 1987, p: 62). در اینجا گل مظهر زیبایی و لطافت خداوند است. در مکتب عرفانی روزبهان، جمال پرستی به حدی به اوج خود می‌رسد که می‌گوید اهل سماع باید صورت زیبا داشته باشند.

در میان تمام آثار و اندیشه‌های عرفانی روزبهان بقلی می‌توان گفت این توجه و تأکید روزبهان در کتاب عبهرالعاشقین بیشتر از سایر متون عرفانی اوست. این نکته درست است که توجه روزبهان به جمال پرستی در چهره زنان بیشتر است اما او درباره زیبایی پرستی مردان و پسران و اشیا و پدیده‌ها هم نکاتی را بیان کرده است. روزبهان در کتاب عبهرالعاشقین با در نظر گرفتن عشق یعقوب بر یوسف به نکته‌ای کوتاه و عمیق اشاره می‌کند: روزبهان چنین استدلال می‌کند که عشق و علاقه‌ای را که حضرت یعقوب نسبت به فرزند خود حضرت یوسف داشته است، می‌توان دلیلی محکم بر اهمیت عشق انسانی دانست. از دیدگاه روزبهان، عشق یعقوب نسبت به این فرزندش چیزی جز عشق به حق نبوده است و زیبایی حضرت یوسف جلوه‌ای از جمال به روی خود حضرت حق بوده است که یعقوب به آن عشق ورزیده است. روزبهان با استناد به حدیثی از حضرت پیامبر درباره حضرت یوسف که می‌فرماید «اعطی نصف الحُسن» چنین بیان می‌کند که حُسن و زیبایی یوسف، آیه و نشانه‌ای از حسن و جمال است (Ibid, 28).

با توجه به مطالب فوق، آن‌چنان که بیان گردید اصل و منشاء مکتب جمال پرستی روزبهان بقلی انسان است. به‌ویژه زنان از دیدگاه روزبهان اسطوره زیبایی و جمال پرستی هستند و خداوند به بهترین نحو جلوه‌های خود را بر آنان تمام کرده است. در جایی دیگر، در کتاب عبهرالعاشقین از زیبایی چهره زنان تُرک یاد می‌شود، هر چند به نظر می‌رسد که دلبر و معشوق روزبهان جسمانی نیست که بتوان آن را به چشم جسمانی دید و شناخت. «معشوق روزبهان در عبهرالعاشقین، موجودی نیم الهی و نیم انسانی است و از این به سبب برزخیت وجود انسان، میان واجب و ممکن است» (Ebrahimi Dinani, 2004, P: 324).

روزبهان بقلی در مورد جمال اشیا و پدیده‌ها چنین می‌گوید: «مقام زیبایی از طریق کشف و دریافت به وجود می‌آید، و آن هم از طریق انبساط قدس به جلال جبروت

جاودانه که گشایش می‌کند و از این طریق است که ظهور در همه مخلوقات اتفاق می‌افتد (Baqli Shirazi, 2010, P: 328).

در اینجا منظور از انبساط قدس قدم، زیبایی معنوی است به این شکل که مظهر جلال مرتبط می‌داند «کعبه نور قدس نشانه‌های اوست و آن را به صبح مشرق صفاتش از مطالع ذاتش نورانی گرداند و آینه زیبایی و جمالش ساخت تا ناظران معارفش و دیده عاشقانش بر کشف ردای عظمت و کبریا پیش نظاره کنند» (Baqli Shirazi, 2009, P: 188). منظور از کعبه، نماد و سنبلی از صلابت و استحکام زیبایی خداوند است، که کسانی که عاشق دیدن جمال حق هستند، باید به پرستش زیبایی منعکس شده بر کعبه روی آورند.

۳-۱. جمال و جلال از منظر بقلی شیرازی

صفات جلال و جمال در مکتب عرفانی روزبهان بقلی قابل توجه است. با توجه به این که دو واژه جمال و جلال در آثار مکتوب روزبهان بقلی دارای اهمیت است، روزبهان بیان می‌دارد هر دو این واژگان از صفات ذات اقدس است و به نحوی تفکیک‌ناپذیرند و آنچه به صفات جمالی مرتبط است، در رابطه با زیبایی گفته است و به این صورت که زیبایی اصلی از آن ذات اقدس است که با پرتوافکنی خویش بر تمام موجودات جهان آن‌ها را به نور زیبایی خود مزین می‌سازد و جلال نوعی شکوه و عظمت خداوند است که بر قلب سالک پرتو می‌افکند، فی‌الواقع، این صفات از اصطلاحات مرتبط با خداگونگی ذات اقدس می‌باشد. در ارتباط با نسبت عرفانی این دو واژه، روزبهان از واژگان دیگری نیز استفاده می‌کند با عنوان‌های خوف و رجاء. به نحوی که در اینجا روزبهان برای این دواژه در مکاشفات خود بهره می‌برد. از این بابت بنا به نظر روزبهان، خوف بر رجاء مقدم است. خوف باعث تزکیه روح می‌شود و رجاء باعث نقطه اتصال صوفی است به سمت ایزد یکتا (Baqli Shirazi, 2003, P: 245).

در ادامه، او از قبض و بسط در ارتباط با صفات جلالی و جمالی سود می‌جوید. بنا به نظر روزبهان، حالت قبض در واقع حالتی است که هنگام رؤیت با خداوند به سالک دست می‌دهد و به نوعی دچار حالت دگرگونی می‌شود و از طریق این تغییر و تحول است که از نخوت و خودپرستی مبرا می‌شود. ولی بسط حالتی است که سالک، زیبایی خداوند را کشف می‌کند. (Ibid, P: 402) در قدم و اصل بسط بقای سر است در مشاهده ابد» (همان: ۴۰۲).

بنابر مکتب عرفانی روزبهان بقلی، صفات ذات اقدس به دو دسته جمالی و جلالی تقسیم‌بندی می‌شوند. در هستی‌شناسی روزبهان کل عالم کائنات از زیبایی ذات اقدس منعکس می‌شوند و جلال نوعی عظمت و شکوه خداوند است که بر سالک متجلی می‌شود. روزبهان جلال و جمال الهی را در یکی از مکاشفاتش این‌گونه بیان می‌دارد: «و زیبایی و عظمتش را بر من هویدا کرد و با هزاران صفت ارزشمندی که داشت، درخشش و روشنایی خویش را بر من

تجلی کرد» (Baqli Shirazi 2014, P: 110).

روزبهران در اینجا خود را محبوب خدا می‌داند که حُسن خود را تمام و کمال بر وی روا داشته است.

به‌طور کلی، روزبهران معتقد است که در تمام رویارویی‌هایش با خداوند و طی تجربیات عرفانی‌اش، ذات اقدس در حالت التباس بر وی هویدا گردیده است (Milani & Vafaei, 2018, P: 98). ولی ناتوانی از دیدار صرف وی است. لذا، خداوند در لباس فعل بر دوست‌دار خود آشکار می‌شود تا او در انس با خداوند بماند (Binaye Motlagh, 2019, P: 24).

از نظر روزبهران بقلی ملاقات و به‌نوعی دیدار با ذات اقدس امری بدیهی است، اما باید به این نکته توجه کرد که منظور روزبهران از دیدار با ذات اقدس از نوع کشف و شهود عرفانی است نه اینکه براساس دیدار فیزیکی باشد. روزبهران در کتاب کشف‌الاسرار رؤیت خود را از دیدار جمال و جلال خداوند به این‌گونه بیان می‌دارد: در صورت جمال جلوه‌گر شد تا شوقی در من به‌وجود بیاید، تا از آلودگی مُبرا شوم عذوبت و شیرینی این دیدار در من به‌وجود آمد و من با او خو گرفته بودم که به‌یکباره خویش را بر من پوشاند، بعد از این، در صورت جلال بر من رؤیت کرد. فروغ صولتش چنان مرا مجذوب کرده بود که دچار رعب شده بودم، در آن لحظه درخشش خودش را بر من هویدا کرد (Baqli Shirazi, 2014, P: 186-187).

در اینجا، روزبهران داستان دیدارش با ذات اقدس را این‌گونه بیان می‌دارد که خداوند در ابتدا، زیبایی خویش را برای من نمایان ساخت که من به او نزدیک شوم و به‌یکباره مخفی شد و من محو زیبایی او بودم که به‌یکباره صفات جلالی وی بر من منعکس کرد که از شدت ترس منقلب شدم و روشنی خودش را بر من منعکس کرد. در اینجا، زیبایی و جمال انسان را در قالب التباس بیان می‌کند، یعنی درحقیقت زیبایی خداوند با توجه به صفات جلالی و جمالی خود را در حالت التباس (حجاب) بر انسان منعکس می‌کند که بُعدی معرفتی و عرفانی دارد.

۴. مفهوم عشق از دیدگاه روزبهران بقلی شیرازی

عشق از نظر روزبهران بقلی، یکی از اوصاف ذات اقدس است که از روز ازل وجود داشته و فناپذیر است. روزبهران در تمام کشف و شهودهای خویش سعی در ارتباطی دوسویه بین خود و ذات اقدس کرده است و از طریق همین محبت و عشق است که تمام زیبایی‌ها را درک و دریافت کرده است به بیانی دیگر، وقتی محبت فزونی یابد به عشق مبدل می‌شود.

«عشق یکی از صفات الهی است؛ یعنی خدا، عاشق «بنفسه‌نفسه» (در مرتبه "احدیت" و فیض اقدس) بود. بعد، بر روح اولیا تجلی ثانوی (در مرتبه "واحدیت" و فیض مقدس) بود. بعد، بر ارواح عارفان را به جمال عشق متجلی کرد. پس "اصل عشق"، قدیم است... عشق همانند شمشیری هست که به‌صورت اتفاقی گریبان‌گیر عاشق می‌شود. او عشق را یکی از کمالات الهی قلمداد میکند. فی‌الواقع به‌گونه‌ای نوعی معرفت

است. در عشق غرضی وجود ندارد. چون برای انسان به‌صورت اتفاقی رخ می‌دهد (Baqli Shirazi, 1958, P: 59). بنا بر باور روزبهران، باتوجه به اینکه محل پیدایش عشق از نوع عشق ربانی است، او جایگاه حقیقی عشق را بلوغ انسان‌ها می‌داند (Ibid, P: 23).

۴-۱. عشق و جمال در مکتب زیبایی‌شناسی

روزبهران

عشق از اصلی‌ترین عناوینی است که در مکتب عرفانی وجود دارد و حائز اهمیت است. معنی لغوی عشق چنین دانسته می‌شود: «محبت شدید و علاقه افراطی و دل بستگی زیاد نسبت به یک شی یا شخص، چه از روی عفاف باشد و چه از سر فسق» (Khalili, 2006, P: 26). «او عارفی است عاشق و قرآن تجلی کلام معشوق اوست که حرف حرف آن زیبایی‌های معشوق را نشان می‌دهد. روزبهران بقلی در این طریقه یعنی عشق، ممتاز است و مکتب عرفانی او، مکتب عشق است» (Ghasem Pour, 2013, P: 26) با توجه به اینکه عشق و زیبایی در مکتب عرفانی روزبهران پیوندی تنگاتنگ با هم دارند، در این راستا نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. از نظر روزبهران بقلی، اگر بخواهیم به عشق الهی برسیم، باید از طریق عشق انسانی به آن ورود پیدا کنیم. از طرف دیگر، منشأ جمال از ذات اقدس است و به‌طور کلی می‌توان گفت در اصل یکی از صفات خداوند است و خداوند از طریق آن خود را بر ما نمایان می‌سازد. بنابر نظر روزبهران، زمانی که خداوند بر دل سالکان و دلداگانش جلوه‌گری می‌کند، به دلیل زیبایی وافر، به‌طور کلی، عقل و هوش آن‌ها را می‌رباید و آن‌ها را مدهوش خویش می‌کند و این خود و اصل حقیقت است و از ذات او جدایی‌ناپذیر است (Baqli Shirazi, 1965, P: 432).

۵. ویژگی‌های عشق

روزبهران عشق را به‌عنوان صفتی از صفات خدا می‌داند که قابل تغییر نیست و ثبات دارد، به این دلیل که صفت ذات احدیت است، جنبه الهی دارد و حد و اندازه مشخصی ندارد. براساس دیدگاه ارنست، حقیقت و معشوق نامتناهی است، بنابراین، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که به نامتناهی رسیدیم، ولی از مرحله عشق آغاز می‌شود، عشق سیر می‌کند و عشق به جایی می‌رسد که اثری از عاشق باقی نمی‌ماند و او به فنا می‌رسد و چون فنا می‌شود، از خود خبر ندارد و نمی‌داند کمال کجاست. عشق به‌طور کلی، فراموش می‌شود (Ernest, 2005, P: 329-330).

در همین راستا، کربن عشق را به‌گونه‌ای دیگر بیان می‌دارد: عشق را باید بتوانیم تأویل کنیم، چون عشق انسانی و ربانی هر دو از یک سنخ است، اما منطقی دوگانه دارد، که اصل هردو آن‌ها بر گرفته از جمال خداوند است (Baqli Shirazi, 1958, P: 111).

جایگاه محبت در اندیشه روزبهران بقلی

با توجه به هندسه عرفانی روزبهران بقلی می‌توان گفت که از



نظر روزبهان محبت، یکی دیگر از اوصاف ذات اقدس و راه رسیدن به عشق است، عشقی که مختص ذات اقدس است و محبت پل ارتباطی است برای نیل به زیبایی خداوند، به گونه‌ای که هرچه این محبت فزونی یابد، عشق به خداوند بیشتر می‌شود و این دو واژه جایگاهی ویژه نزد روزبهان بقلی دارد. بر این اساس، روزبهان بیان می‌دارد که محبت یکی از اسماء حق است و خداوند به این اسم توصیف شده است، چراکه از روز ازل با وی بوده است. او صاحب این صفت است و از همین طریق است که بر دل دوستداران خود تجلی کرده تا از این طریق دلباخته‌ او شوند و ازین محبت نعیم شوند (Baqli Shirazi, 1965, P: 444).

۵-۱. مراحل عاشق شدن از منظر روزبهان

از نظر مبانی معرفتی روزبهان بقلی، عاشق و معشوق رابطه‌ای دیالکتیک و دوسویه دارند، یعنی وقتی مخلوق عاشق ذات اقدس می‌گردد، ذات اقدس هم عاشق این عشقی می‌گردد که مخلوق به وی روا می‌دارد. فردی که عاشق است در طلب کشف و شهود زیبایی مخلوق است و ذات اقدس هم زیبایی خود را بر مخلوق متجلی می‌کند. بنا بر هندسه فکری روزبهان، وقتی که کسی عاشق خداوند شود، خداوند گوش و چشم و لسان او می‌شود. وقتی سالک به مقام حُسن که بالاترین مقام است، نائل می‌شود، به مقام دیدار و احسان می‌رسد. مقام حُسن، مقام دیدار قلبی است. اوست که به چشم بنده خودش را می‌بیند و با عاشق متحد می‌شود. هم بیننده و هم آن چیزی که پدید می‌آید، یک صفت است. (Baqli Shirazi, 1985, P: 39-40) روزبهان بعد از تفاسیری که در باب مراحل عشق ارائه داده است، در صدد این است که همه این مراحل را به خداوند نسبت دهد، خداوندی که از طریق محبت خود بر مخلوقات ارزانی می‌دارد. از نظر روزبهان عشق دارای سلسله مراتبی است که اصل و پایه آن بر مبنای حُسن است. و این چنین بیان می‌دارد که محبت و عشقی که انسان به خدا دارد، از نوع محبت ربانی است و شایسته‌تر از آن وجود ندارد (Baqli Shirazi, 1987, P: 19).

به طور کلی، عشق و زیبایی پرستی از دیدگاه روزبهان این گونه تحلیل می‌شود:

- ۱- عشق در حول و محور زیبایی پرستی (جمال) قابل شناخت است و به طور کلی جهان نشئت گرفته از صفات الهی بر پایه جمال است.
- ۲- عشق قابل تغییر نیست و محرک عاشق به سمت وسوی عشق الهی و ازلی است.
- ۳- عشق غیرقابل توصیف است.
- ۴- محبت الهی به صورت دو جانبه است، از یک طرف، عشق الهی به آفریده خودش و از سوی دیگر، عشق خلق به ذات اقدس که به صورت آینه بازتاب می‌شود یعنی از طرف ذات اقدس به مخلوق.
- ۵- عشق و حُسن (زیبایی) پیوندی ناگسستنی با هم دارند و

به نوعی لاینفک هستند و از طریق حُسن است که صفات الهی متجلی می‌شود.

۶- از طریق عشق انسانی یا به عبارتی دیگر عشق مجازی است که به عشق اصلی و حقیقی می‌رسیم، زیرا از طریق حُسن انسان است که انوار تجلی بر او منعکس می‌گردد.

۷- عشق ریشه بنیادین دارد و با نادیده انگاشتن آن به تعطیل می‌رسیم.

۶. حُسن

مهم‌ترین لفظی که معنای زیبایی را می‌رساند، لفظ حُسن است و سپس الفاظ جمال و بهاء می‌توان نام بُرد. بی تردید کلمه حُسن کلمه کلیدی در زیبایی شناسی در عالم اسلام است. (Pazouki, 2011, P: 22-23) حُسن یکی از اوصاف ذات اقدس می‌باشد، سهروردی در این زمینه بیان می‌دارد: «از آن حقیقت که به شناخت حق تعالی تعلق داشت، حُسن پدید آمد که آن را نیکویی خوانند» (Sohrevardi, 2010, p: 269). حُسن مانند دیگر اوصاف، یکی از اوصاف الهی است و مختص ذات احدیت است که به عبارتی می‌توان زیبای مطلق نامید. حُسن دارای مفاهیم گسترده تری نسبت به جمال است به طوری که می‌توان این گونه مراد کرد که حُسن به عنوان مفهوم دوم جمال به کار برده می‌شود.

۶-۱. حُسن شناسی از منظر روزبهان بقلی شیرازی

روزبهان بقلی حُسن را یکی از صفات ذات اقدس می‌داند که هر وقت اراده کند محبت خویش را به بنده خود ارزانی کند، زیبایی خود را بر دل وی متجلی می‌کند و هرچه رؤیت این زیبایی برای مخلوقات خداوند زیباتر و لذت بیشتری داشته باشد، عشق انسان به ذات اقدس بیشتر می‌شود.

در اینجا اصل بر واژگان ابداعی روزبهان است، آنچه بیشتر از هر واژه‌ای خود را نمایان می‌کند، حُسن است که برگرفته از آیات قرآنی است.

روزبهان حُسن را درجه بندی کرده و این گونه بیان می‌کند: همه موجودات پسندیده هستند، چون که از ذات احدیت به وجود آمده‌اند. اما درجه برتر این زیبایی از دیدگاه روزبهان متعلق به انسان است که هم جان شریفی دارد و هم زیبایی او در صدر زیبایی‌ها قرار دارد، او به ویژه این زیبایی را به پیامبر نسبت می‌دهد (Sani, 1968, P: 213).

۶-۲. حُسن و عشق

رابطه حُسن و عشق در مکتب روزبهان بقلی

مشرب عرفانی روزبهان مبتنی بر حُسن و عشق است و این خود دلیلی محکم بر این است. روزبهان را عارف مکتب جمال پرستی می‌نامند. از نظر روزبهان بقلی زیبایی آن چیزی نیست که به چشم عین بتوان مشاهده کرد و تنها موجودی که سزاوار و شایسته پرستیدن است ذات اقدس می‌باشد و این زیبایی زمانی میسر می‌شود که ذات اقدس زیبایی خود را بر انسان منعکس کرده باشد و از طریق شناخت محبت است که

عشق و حُسن به وجود می‌آید.

روزبهران عشق و حُسن را نمونه‌هایی از اوصاف خداوند می‌داند که هر کس روح خویش را بیشتر صیقلی کند و الفت بیشتری بگیرد، زیبایی خداوند را بیشتر می‌تواند دریافت کند (Baqli Shirazi, 1998, P: 32-35).

۷. مراحل عشق از منظر روزبهران

«نور نور بینند. از ادراک ذات دیوانه شوند، و از خود بیگانه شوند، جانشان به لذت مشاهده ترنم کند. دل مریدان به صفای وجد در عین قرب گرانمایه شود. در تنگنای دل در وقت وجد صد هزار دریای پر نور است از وجود حق جل جلاله که روح مقدس بدان دریاها غواصی می‌کند و هر مویی که به صورت عارف است از آن حقیقت نور تجلی کند» (Baqli Shirazi, 1972, P: 57). فی‌الواقع، روزبهران در اینجا می‌خواهد بگوید وقتی انسان نور ذات اقدس به او متجلی می‌شود، به حالت دیوانگی می‌رسد از این همه شکوه زیبایی، مست می‌شود و این خود دلیلی است که انسان عاشق ذات اقدس می‌شود؛ و این خود یکی از راه‌های تقرب و نزدیکی به خداوند است و از همین طریق است که مراحل عاشق شدن توسط انسان طی می‌شود تا به هدف برسد.

«شیوه برخورد روزبهران با عشق به کلی متفاوت است. روزبهران به انسان به‌عنوان مظهر تجلی الهی و آئینه جمال حق بسیار ارج می‌نهد» (Ernest, 1999, P: 18). روزبهران در کتاب *عبرالعاشقیین* توجه خاصی به زیبایی حضرت یوسف (ع) دارد و او را نمونه بارز حُسن می‌داند.

او می‌گوید یوسف مثل وانمودج جمال است، و سوره یوسف به مدلول قرآن «أحسن القصص». (Baqli Shirazi, 1987, P: 86). بنا به نظر شادمان، از نظر روزبهران، زیبایی عالم زمانی مشهود می‌شود که ذات اقدس تجلی کند و این مهم زمانی به وقوع می‌پیوندد که آلودگی و نخوت را از خود مبرا کنیم (Shadmanan and others, 2013, P: 210).

اما روزبهران بقلی بهترین معنی و تحلیل را در کتاب *عبرالعاشقیین* بیان می‌کند. براساس مکتب عرفانی روزبهران بقلی در کتاب *عبرالعاشقیین*، حُسن در اصل همان حُسن (زیبایی) الهی است که خداوند بر مخلوقات خود منعکس می‌کند؛ اما روزبهران به همین‌جا اکتفا نمی‌کند و دامنه زیبایی‌شناسی‌اش را گسترش می‌دهد و واژگان تشبیه و تنزیه را به‌نوعی مرتبط با تجلی زیبایی می‌داند. تشبیه و تنزیه از واژگان ادبی است که در مکاتب عرفانی به‌صورت گسترده بررسی شده است، اما آنچه به تنزیه مرتبط است، بیشتر به ذات اقدس منتهی می‌شود و آنچه به تشبیه مرتبط است، شامل کلیه صفات خداوند است که بر مبنای مکتب عرفانی روزبهران بقلی، شامل عشق و حُسن و محبت و ... می‌باشد که بر پایه خیال استوار است؛ و روزبهران عارفی است که بر مبنای تشبیه، مکتب عرفانی خود را پایه‌ریزی کرده است و برای نیل به اهداف خود از قرآن و حدیث بهره‌مند شده است. در این‌باره، روزبهران می‌گوید ذات اقدس زمان و مکان وجود ندارد، چون

لا يزال هست، و از آنجاکه هیچ‌کس قادر نیست خداوند را رؤیت کند، چون خداوند در حالت مستور است، خود را بر هیچ‌کس متجلی نمی‌کند، در حالت بهت و حیرت بودم از این مطالبه، که زیبایی او را در قلبم مشاهده کردم، و چنان شیفته شدم که هر لحظه شیداتر می‌شدم تا جایی که عقل و هوشم به فنا رفت (Baqli Shirazi, 2014, P: 184-185). بنا به تفکر روزبهران بقلی، اگر ما دید و نوع نگاهمان به تشبیه باشد به معنی حلول ذات اقدس بر مخلوق است. و اگر از نظر تنزیه تحلیل کنیم، تنزیه را پدیده‌ای عقلی می‌داند، و ما فقط از طریق و در قالب تشبیه است که می‌توانیم زیبایی‌های ذات اقدس ببینیم و اگر بخواهیم زیبایی حقیقی ببینیم، زیبایی در حقیقت همان تجلی ظهور اوست.

بنابراین، با توجه به مکتب عرفانی و زیبایی‌شناسی روزبهران بقلی و دیدگاه وی مبنی بر زیبایی، همه موجودات در عالم هستی متجلی زیبایی خداوند هستند، روزبهران در کتاب *عبرالعاشقیین* حُسن را درجه‌بندی می‌کند. از نظر روزبهران، حُسن دارای مراتبی است، هر کس از آلودگی پاک باشد، از بین دیگر مخلوقات، تجلی بیشتری از حُسن خداوند دریافت می‌کند و این باعث درخشش بیشتری می‌شود و تمام این زیبایی‌ها را از صفات ذات اقدس دریافت می‌کند (Baqli Shirazi, 1987, P: 34).

۸. زیبایی آدمی و غیرآدمی از منظر روزبهران بقلی

روزبهران بین زیبایی آدمی و غیرآدمی تفکیک قائل می‌شود و برای هر کدام یک نوع زیبایی تعریف می‌کند. طبق گفته روزبهران، تفاوت بین زیبایی آدمی و زیبایی غیرآدمی در این جهان این است که زیبایی انسان نمادی از جلوه‌گری ذات اقدس است. اما در زیبایی غیرآدمی که شامل پدیده‌ها، موجودات و به‌طور کلی، کائنات می‌شود، زیبایی نمایانگر وجود صانع است (Baghli Shirazi, 1958, P: 35). در اینجا فی‌الواقع انسان مظهر انعکاس تجلی زیبایی خداوند که همان نور است می‌باشد؛ و در جایی دیگر روزبهران، این‌گونه بیان می‌دارد: خداوند انسان را با دودسته جمال و جلال استوار کرد و زیبایی روحی و معنوی را برای رسیدن به سعادت به او عطا کرد (Baqli Shirazi, 1987, P: 33). روزبهران در کشف‌الاسرار خود هم به‌نوعی زیبایی آدمی را ستایش می‌کند: «از آنجاکه به آسمان هفتم ورود پیدا کردم و فرشتگان و پیامبران را رؤیت کردم، ذات اقدس با صفات زیبایی خودش بر آن‌ها جلوه‌گری کرد که از زیبایی خداوند به سرشوق آمدند، و خداوند با پوششی زیبا در هیأت انسانی ظهور کرد (Baqli Shirazi, 2014, P: 153).

فرشتگان و پیامبران مجرای ورود و انعکاس زیبایی خداوند از طریق تجلی صفات زیبایی وی هستند. در اینجا، روزبهران بقلی آدم را به‌نوعی عمل یا فعل ذات اقدس می‌داند به دلیل اینکه زیبایی و صفات خویش را بر آدم منعکس است؛ اما اهمیت اینکه روزبهران به زیبایی‌پرستی انسانی روی آورده است، در اینجا به‌روشنی مشخص می‌شود. روزبهران براساس کشف و شهودهایی که در عالم بالا داشته است، از اینکه ناتوان از دیدار



صرف خداوند است، اندوهگین می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که برای رسیدن و دریافت این مهم، باید جمال و زیبایی خداوند را با توجه به الهامی که از خداوند به روزبهان می‌رسد، به چشم انسانی‌اش مشاهده کند، یعنی با توجه به صفاتی که خداوند در انسان منعکس کرده است. این نکته باعث می‌شود که روزبهان این زیبایی را در صور انسانی مشاهده کند و این خود دلیلی محکم به زیبایی پرستی انسانی روزبهان است. «آنگاه که از ملکوت و جبروت به سمت ناسوت بازگشتم، در من عشق پدید آمد و از نیافت جمال حق رنجور شدم؛ اما ناگاه متوجه شدم که می‌توان جمال الهی را در عالم حدّث و انسانی باز یافت؛ از قضا از سرای زیبارویان گذر می‌کردم و ناگهان جمال صفات خداوند را در چهره زیبارویان بازشناختم؛ چشم سرم صورت زیبای انسان را می‌دید و چشم جانم قدم را. در این لحظه خداوند در من ندا داد که به دیده انسانیت در عالم انسانی نگر». (Baqli Shirazi, 200, P: 12)

روزبهان به زیبایی پرستی غیرانسانی (که در ذیل آمده) توجه نموده و آن را در عود و موسیقی گل و شراب و... می‌بیند اما باز هم زیبایی پرستی انسانی را در همه وجوه زیبایی پرستی خود را دارای ارزشمندی بسیار می‌داند که این خود زیبایی پرستی انسانی را به درجه‌ای بالاتر از همه زیبایی‌ها می‌داند. به‌طور کلی، روزبهان با تجلیات متعددی از ذات اقدس مواجه می‌شود که هر کدام به‌نوعی در قالب واژگان و موسیقی و انسان و... است که در نوع خود جنبه الهی و معنوی دارد و از این طریق است که سلوک عرفانی روزبهان بقلی سهل‌تر می‌گردد. درواقع این واژگان متعدد و متنوع برگرفته از جهان بینی و جهان‌شناختی روزبهان بقلی شیرازی است.

۸-۱. زیباروی ترک با عود

روزبهان نظر خود را چنین بیان می‌دارد: «زمانی که در بیابان نامرئی وارد شدم، ایزد را به هیئت زیباروی ترک و در حالت ملکوتی و در حال نواختن عود دیدم، دچار تالطم شدم و شیداتر. آنگاه به‌سمتی نامتناهی رفتم و به حالت جسمانی نتوانستم او را مشاهده کنم، و فقط از طریق نور جلوه‌گری می‌کرد، و معرفت خودش را بر من تمام کرد. در آنجا بودم که خدا من را به صورت ناآشنا دید به‌یکباره صفات خودش را بر من متجلی کرد، چنان محو زیبایی او شدم که قدرت تکلم تشریح زیبایی او را نداشتم.» (Baqli Shirazi, 2014, P: 198-199)

در اینجا، زیباروی ترک خود حضرت حق است که زیبایی خود را متجلی می‌کند؛ و همچنین منظور روزبهان از بیابان، وسعت عظمت زیبایی خداوند است.

۸-۲. حسن و موسیقی افلاک

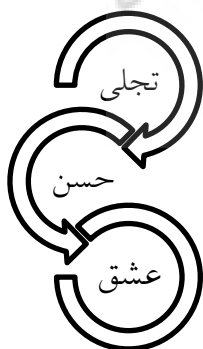
روزبهان چنین بیان می‌کند که سحرگهان به‌دنبال خدا می‌گشتم، لکن او را نیافتم، در خیال معنوی خودم سیر می‌کردم و شکل‌هایی بر من هویدا می‌شد و متوجه شدم که طالب چه چیزی هستم و خواستار تک‌بودن زیبایی او بودم، در آفاق پر از اختر که انگار در حال نواختن موسیقی خوش بود که با این صفات آراسته شده بود که نمونه‌ای به زیبایی او ندیدم (Ibid, P: 156).

به‌نظر می‌رسد که در اینجا منظور روزبهان از موسیقی، موسیقی عرفانی است که این نوع موسیقی جهت اتصال به معبود است و به‌گونه‌ای دیگر تجلی اسماء الهی و به‌نوعی دیگر صدا و صوت حق محبوب می‌کرد که می‌تواند موجب تنزیه شود و روح را صیقل دهد و براساس این صفا و صیقل دادن روح است که روزبهان می‌تواند از این طریق نظاره‌گر زیبایی‌های خداوند شود. درواقع، روزبهان بر این اساس مدعی می‌شود که خداوند زیبایی خود را براساس موسیقی که لحن گفتار ذات اقدس است، بر من متجلی کرده تا خلیفه زیبایی روی زمین شوم و همچنین از گل به‌عنوان مظهر تجلی ذات اقدس یاد کرده است که این خود می‌تواند گویای تقرب روزبهان بقلی نسبت به خداوند است.

۸-۳. حسن و شراب

شامگاهان در عالم نهران دریای بزرگی دیدم که باده‌ای سرخ‌رنگ داشت، در وسط آن پیامبر را در حالت نشسته دیدم که از آن دریا پیاله شرابی در دستانش داشت و مست شده بود. مرا که رؤیت کرد پیاله شراب را سرازیر می‌کرد از پری و دوباره از سرمی‌گرفت (Ibid, P: 113).

بنا به گفته خادمی، بقلی زمانی به خداوند نزدیک می‌شود که از دست ذات اقدس می‌گساری کند. در این حالت است که از خودبی‌خود می‌شود و خدا را در پیرامون خود حس می‌کند (Khademi and others, 2020, P: 62). منظور روزبهان از شراب مرحله‌ای از حالت سُکر و مستی است که هنگامی که عارف جلوه زیبایی ذات اقدس می‌بیند به‌لحاظ آن حالت وجد و سُکری که به وی می‌دهد، مدهوش می‌شود به‌نوعی مست می‌شود و عشق و زیبایی خداوند می‌گردد. فی‌الواقع، خداوند بر این اساس و با خوراندن شراب به روزبهان، روزبهان را نزدیک به خود کرده تا زیبایی خود را بر روزبهان متجلی کند و بر این اساس روزبهان غرق در زیبایی خداوند شده است. شراب نماد عشق و زیبایی و تقرب هست.



شکل ۲: رابطه تجلی و حسن و عشق

Fig. 2: The relationship between manifestation, beauty and love

۹. ارتباط حسن با مستحسن و مستقیح

مستحسن (نیکویی) از منظر روزبهان بقلی: «مستحسن به‌ظهور زیبایی خدا در آن، مستحسن است و آن زیبایی تجلی خداست در آن. همچنان‌که برای موسی (ع) در کوه تجلی کرد و طور سینا سرمه دیدگان گشت. موجب شادمانی

مُستحسن در مکتب عرفانی روزبهان بَقلی به معنای تجلی زیبایی خداوند است. بر این اساس چون برای مخلوق حس خوشایند و لذتبخشی دارد و آنچه خداوند از خود بر جهان متجلی می‌کند، زیباست روزبهان از اصطلاح مُستحسن سود می‌جوید.

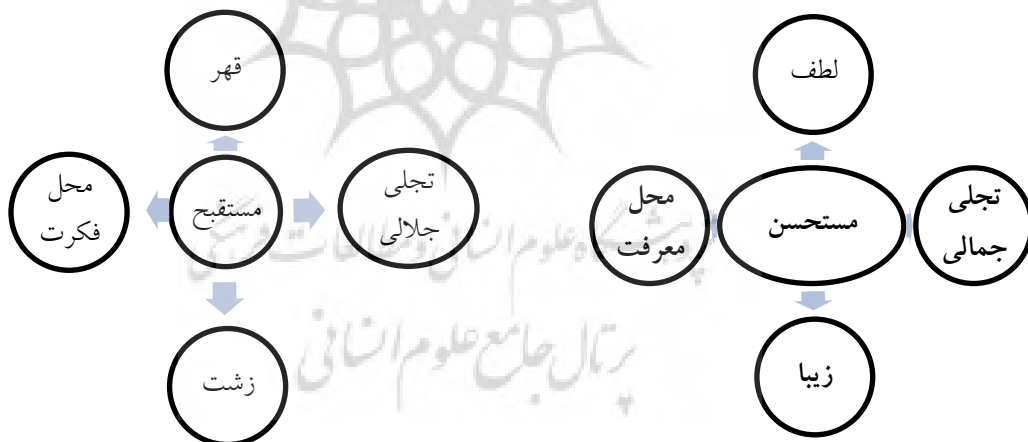
در ارتباط با مُستقَبَح از دیدگاه روزبهان بَقلی این پرسش مطرح می‌گردد که اگر ما به این فکر کنیم که ذات اقدس زیباست و هر چه را که متجلی می‌کند زیباست، چرا روزبهان از واژه مُستقَبَح (زشت) هم در مکتب زیبایی‌شناسی خود استفاده کرده است؟ با توجه به اینکه زیبایی خداوند تام و کمال است و هیچ نقصانی در او جای ندارد، روزبهان می‌گوید ذات اقدس هم زیبایی را خلق کرده و هم زشتی. روزبهان بَقلی در کتاب عیبه‌العاشقین در این رابطه می‌گوید: «و فرق میان مستحسَنات و مستقَبَحات آن است که حق تعالی مستحسن را آئینه لطف آفرید و مُستقَبَح را آئینه قهر، قهر محل فکرت آمد و لطف محل معرفت ...» (Ibid, P: 36). بنا به گفته تمدن، سرشت الهی به گونه‌ای است که شامل صفات متنوع و متعدد است. برای مثال، لطف و قهر. به همین جهت آنچه به لطف الهی تعلق می‌گیرد، جمال است و آنچه به غضب الهی تعلق می‌گیرد جلال است (Tamadoun & Ejehei, 2019, P: 86). از نظر روزبهان فقط یک چیز می‌تواند ذات احدیت را زشت تلقی کند، و آن زمانی است که ذات اقدس زیبایی‌اش را به حجاب ببرد و این نکته بیانگر این است مُستقَبَح امری درونی است و وجود خارجی ندارد.

خلیل(ع) در رؤیت مشاهده در آغاز عشق و دوستی بود. آنگاه که خداوند در رؤیت خورشید و ماه و ستارگان از وی خبر داد که گفت: «هذا ربی». (انعام/۷۶) این مقام به مقام التباس و انس گرفتن عاشق به رؤیت حق، در هر مُستحسن بستگی دارد. پیامبر (ص) هرگاه میوه نوبری را می‌دید، می‌بوسید و بر دیدگانش می‌نهاد» (Baqli Shirazi, 2010, P: 367-368).

«فاعل و خالق افعال همه موجودات حق است و آفریننده مُستحسَنات و مُستقَبَحات اوست. لیکن آن را که در ازل به رضای قدم بیسنید، محمود افعال است و آن را که در سخط ازل به هاویة ضلالت انداخت، مذموم افعال است.» (Baqli Shirazi, 1972, P: 93)

مُستحسن به معنی چیزی که به چشم انسان زیبا و خوشایند باشد، به کار برده می‌شود، و این اصطلاح از واژگان ابداعی روزبهان است. نکته قابل تأمل در این مجال این است که از این واژه در قرآن و حدیث بحثی نشده است.

از نظر روزبهان، انسان خلیفه خدا شد. در مقام حقیقت انسان که از عدم به وجود آمد، تجلی حقیقت شد بر روی زمین. انسان کامل تجلی حقیقت است روی زمین. اسماء و صفات چون کل این عالم اسماء و صفات الهی است، در انسان تجلی کرده است. در حقیقت، انسان وقتی عاشق می‌شود، نیست می‌شود و اسماء و صفات الهی می‌گیرد و به مقامی می‌رسد که مظهر اسماء و صفات الهی است که در انسان تجلی کرده است (Baqli Shirazi, 1987, P: 27). ذات اقدس در جهان پادشاهی می‌کند، زیبایی‌های خود را متجلی می‌کند. فی الواقع، واژه



شکل ۴: واژگان مرتبط با مُستقَبَح
Fig. 4: vocabulary related to mostaghbah

شکل ۳: واژگان مرتبط با مُستحسن
Fig. 3: vocabulary related to mustahsan

شریف‌تر است، زیباتر است.

- ۵- اصل و منشأ زیبایی همه موجودات و بالاترین مراتب زیبایی، آدم است، چون اومجالی کامل خداوند است.
- ۶- فرق حُسن آدمی با دیگر موجودات این است که حُسن انسان حاصل انوار تجلی ذاتی حق است و حُسن دیگر چیزها، حاصل تجلی فعلی او.
- ۷- منشأ قبح یا زشتی نیز حق است با این تفاوت که خداوند در موجودات زیبا به صفت و جمال و لطف ولی در موجودات زشت به صفت جلالی و قهر.

- به‌طور کلی حُسن‌شناسی روزبهان می‌توان چنین خلاصه کرد:
- ۱- اساس حُسن یا نیکویی امری الهی است و در مقام تجلی حق ظاهر می‌گردد.
 - ۲- حُسن مراتبی دارد، هر موجودی لطیف‌تر و دقیق‌تر و شریف‌تر است، زیباتر است.
 - ۳- همه موجودات چون مظاهر حق هستند، نیکو یا زیبا هستند.
 - ۴- حُسن مراتبی دارد، هر موجودی لطیف‌تر و دقیق‌تر و

۸- زشتی از امور اضافی اعتباری است و اگر کسی از حجاب خودبینی بیرون آید، حق را به چشم دل در مقام قدم بیند و در آن مقام زشت را چون عدمی است، نمی بیند . (Pazouki, 2011, P: 11)

واژگان معادل حُسن و زیبایی در آثار روزبهان در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱: واژگان معادل حُسن و زیبایی در آثار روزبهان
 Table 1: vocabulary related to beauty and love in Ruzbihan Baqli

واژگان به کار رفته	مفهوم شناسی	واژگان به کار رفته	مفهوم شناسی
جمال	زیبایی	ترک	تجلی زیبایی
جلال ازلی	زیبایی کبرایی	شراب	عشق و تقرب
جمال و جلال	صفات زیبایی	حُسن	زیبایی
صفات	پوسته، حجاب	ساقی	لطف الهی
زن	مظهر زیبایی	انسان	نماد زیبایی
انبساط قدم	زیبایی معنوی	کعبه	استحکام زیبایی
نور	درخشش زیبایی	بیابان	عظمت زیبایی
پیامبر	انعکاس زیبایی	حجاب	مانع زیبایی
تجلی	ظهور زیبایی	موسیقی	صدای خدا
موسی	عظمت زیبایی	حُسن و جمال	لطافت و زیبایی
عشق	صلابت زیبایی	یوسف	حقیقت زیبایی
گل	لطافت زیبایی	پیامبر	انعکاس زیبایی

نتیجه گیری

می کند. و با توجه به اینکه انسان به صورت فطری زیبایی در ذات او نهادینه شده است، مجذوب زیبایی پروردگار خود می گردد. انسان با توجه به کنکاشی که در زیبایی خداوند انجام می دهد، زیبایی لذت بخشی را تجربه می کند و عدم دسترسی به این موهبت الهی او را غمگین و افسرده می کند، و از آنجاکه انسان به این درک رسیده که منشأ و معدن تمام زیبایی ذات اقدس است، او را وادار می کند به جست و جوی زیبایی بپردازد و از همین راه است که عاشق پروردگار خود می گردد. و از عشق هم به عنوان صفتی از اوصاف ذات اقدس نام می برد و همچنین بین حسن و عشق ارتباطی عمیق می بیند، چون تا عشق حاصل نشود، حسن به وجود نمی آید. عشق بنا به تفکر روزبهان، مفهوم حسن را تشکیل می دهد. به طور کلی، از نظر روزبهان زیبایی امری کاملاً درونی است و فهم این زیبایی بستگی به خود انسان دارد که از درون خود را صیقل دهد و از هرگونه آلودگی مبرا باشد و در این صورت است که می توان به زیبایی حقیقی رسید. با توجه به اصطلاحاتی که در مکتب زیبایی شناسی عرفانی روزبهان بقلی وجود دارد و همچنین اصطلاحات ابداعی او، به نظر می رسد مکتب

هدف پژوهش حاضر، تحلیل مفهوم حُسن در تفکر روزبهان بقلی با کمک شبکه معنایی لغات و واژگان بوده است و به صورت ذیل مطرح گردید.
 زیبایی شناسی روزبهان با این تفکر که ذات اقدس زیباست و شایسته زیباترین نام هاست شروع می شود، و این زیبایی خود را بر جهان منعکس می کند. شیخ روزبهان موفق شده است که از راه کشف و شهودات خویش راه تازه ای از بحث زیبایی را بازگشایی کند. در تمام کشف و شهودات از نظر روزبهان، تمام کائنات و هر چه در کل جهان موجود است، منعکس کننده زیبایی ذات اقدس هستند. در بحث جمال پرستی، او عشق حضرت یعقوب به حضرت یوسف را نمونه ای از عشق انسانی می داند. در بحث جمال و جلال، این دو واژه را به ذات اقدس نسبت می دهد و در ادامه از واژگان خوف و رجا استفاده می کند، که هرگاه انسان با هر کدام از این حالت ها مواجه شود، دچار نوعی دگرگونی روحی می شود. به طور کلی، روزبهان در تمام مکاشفات و کشف و شهودات عرفانی خویش، ذات اقدس را در حالت تمثیلی مشاهده می کند، چون خداوند به شکل های گوناگون خویش را به روزبهان نمایان

و مراتب دیدار با حُسن و جمال (دیدار روی یار) و جنبه ذوقی در مکتب وی غلبه دارد. در نهایت، بنابه دیدگاه وی اگرچه به‌طور کلی در این عالم صورت‌های زیبایی متفاوت است، همه آن‌ها رجوع به یک معنای واحد دارند که حقیقت حسن است و به‌صورت تجلی آشکار می‌شود.

عرفانی و زیبایی‌شناسی وی مبتنی بر رابطه‌ای سه‌سویه (خدا—جهان—انسان) است که براساس قرآن و احادیث تفسیر و تحلیل گردیده است؛ او بر همین اساس به طرح مفاهیم مستحسن و مُستقْبَح می‌پردازد. بیانات روزبهان بقلی شیرازی، تا حد زیادی براساس کشف و شهود و تجربیات عرفانی خود وی است، حالات

References

Abdolahi Arpanahei, S. (2011). Review of Ruzbihan Baqli Shirazi's Opinions About Beauty, Senior thesis, Tehran university of art. [in Persian]

[عبداللهی آرپناهی، سجاد. (۱۳۹۰). «بررسی آرا روزبهان بقلی شیرازی درباره زیبایی» پایان‌نامه ارشد، دانشگاه هنر، تهران.]

Baqli Shirazi, R. (1987). *Abhar al asheqin*. (Moein, M. Corbin, H. Trans). Second edition. Tehran: Manouchehrei. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۶۶). *عبرالعاشقین*، ترجمه محمد معین و هانری کربن، چاپ دوم، تهران: منوچهری.]

Baqli Shirazi, R. (1958). *Abhar al asheqin*. (Moein, M. Corbin, H. Trans). Tird edition. Tehran: Institute of iran and Farance. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۳۷). *عبرالعاشقین*، ترجمه هانری کربن و محمد معین، چاپ سوم، تهران: انستیتو ایران و فرانسه.]

Baqli Shirazi, R. (2001). *A bhar al- asheqin*. (Nour bakhsh, J. Trans). first edition. Tehran: yalda qalam. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۰). *عبرالعاشقین*، ترجمه جواد نوربخش، چاپ اول، تهران: یلدا قلم.]

Baqli Shirazi, R. (2010). *Moshrah al Arvah*. (Mirakhourli, Gh. Trans). First edition. Tehran: azad mehr. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۹). *مشرب الارواح*، ترجمه قاسم میرآخوری، چاپ ۱، تهران: آزاد مهر.]

Baqli Shirazi, R. (1965). *Shrh-e Shatiyat*. (Edied and in traduced, Corbin. H). first edition. Tehran shakuri. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۴۴). *شرح شطیبات*، تصحیح و مقدمه هانری کربن، چاپ اول، تهران: شکوری.]

Bbaqli Shirazi, R. (2003). *Sharh-e Shathiyat*. (Edied and in traduced, Corbin. H). first edition. Tehran: shakuri. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۲). *شرح شطیبات*، تصحیح و مقدمه هانری کربن، چاپ اول، تهران: طهوری.]

Baqli Shirazi, R. (1972). *Resale al Qouds*. (Nour bakhsh, J. Trans). first ednition. Tehran: Ferdosi. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۵۱). *رسالة قدس*، به کوشش جواد نوربخش، چاپ اول، تهران: فردوسی.]

Baqli Shirazi, R. (2009). *Arais al bayan fi Haghayegh al-Quran*. (Babaci, A. Trans). first ednition. Tehran: molly. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۸). *عرایس البیان فی حقایق القرآن*، مترجم: علی بابایی، چاپ اول، تهران: مولی.]

Baqli Shirazi, R. (2010). *Sharh-e Shathiyat*. (Edied and in traduced, Corbin. H). sixth ednition: Tehran: tahouri. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۹). *شرح شطیبات*، تصحیح و مقدمه هنری کوربن، چاپ ششم، تهران: طهوری.]

Baqli Shirazi, R. (2014). *Kashfo al-asar and Mokashefato al-anvar*. (Hosecini, M. Trans). first ednition Tehran: sokhan. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۹۳). *کشف الاسرار و مکاشفات الانوار*، ترجمه مریم حسینی، چاپ اول، تهران: سخن.]

Baqli Shirazi, R. (2001). *Abhar al-asheqin*. (Nour bakhsh, J. Trans). first ednition. Tehran: ghalam. [in Persian]

[بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۰). *عبرالعاشقین*، ترجمه جواد نوربخش،

چاپ اول، تهران: یلدا قلم.]

Binay Motlagh, S. (2019). *The beaty of rozbihan, what can be learned from him today*. first edition. Tehran: Academy of Arts. [in Persian]

[بینای مطلق، سعید. (۱۳۹۸). *زیبایی نزد روزبهان*، آنچه امروز از او می‌توان آموخت، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.]

Ebrahimi Dnani, G. (2004). *The Name and attributes of the Almighty*.first edition. Tehran: Ahle ghalam. [in Persian]

[ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۳). *اسماء و صفات حق تبارک و تعالی*، چاپ اول، نشر: تهران اهل قلم.]

Ernes, C. (2005). *Stage of Love Forom the Beginning of Iranian Sufism from Rabia to Ruzbihan*. by The Efforst of Leounard lousian. (Kiwani, M. Trans). first ednition. [in Persian]

[ارنست، کارل. (۱۳۸۴). *مراحل عشق از ادوار آغازین تصوف ایران از رابعه تا روزبهان*، به کوشش لئونارد لویزن. ترجمه مجدالدین کیوانی، چاپ اول، تهران: مرکز.]

Ernes, C. (1999). *The Mystical Experience of Shathe Velayat in Iranian sufism*. (Divsalar, C. Trans). first edition. Tehran: amir kabir. [in Persian]

[ارنست، کارل. (۱۳۷۸). *تجربه عرفانی شطح ولایت در تصوف ایرانی*، ترجمه کورس دیوسالار، چاپ اول. تهران: امیرکبیر.]

Ghasempour, M. (2013). *Flowology of The Mystical Interpretation of the Quran*. first edition. Tehran: sokhan. [in Persian]

[قاسم پور، محسن. (۱۳۹۲). *جریان‌شناسی تفسیر عرفانی قرآن*، چاپ اول، تهران: سخن.]

Hadi Saraci, R. (2016). *Ruzbihan Baqli and Beauty worship*, Senior thesis, Shahid madani university of azarbaijan. [in Persian]

[هادی سرایی، رقیه. (۱۳۹۵). *روزبهان بقلی و زیبایی‌پرستی*، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.]

Khalili, M. (2006). *Philosophical foundations of Lov from The Point of View of Ibn sina and Mulla sadra*, second edtnioni. Qom: Bostan ketab. [in Persian]

[خلیلی، محمدحسین. (۱۳۸۵). *مبانی فلسفی عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا*، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.]

Khademi, S. Hamzceyan, A. Khayatiyan, Gh. Hoshangi, L. (2020). *God Is Distinguished in The Discovery of secrets*. *Journal Adabiyat Erfani and Ostoreh shenakhti*, 60: 43-75. [in Persian]

[خادمی، سمیه؛ حمزئیان، عظیم؛ خیاطیان، قدرت‌الله؛ هوشنگی، لیلا. (۱۳۹۹). «*خدای متشخص در کشف‌الاسرار روزبهان بقلی*»، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۶۰: ۴۳-۷۵.]

Khayatiyan, Gh. Soleimani Koushali, F. (2015). *The place of Love in The Interptation of Arais al-Bayan Ruzbihan Baqli*. *Journal Adabiyat Erfani and Ostoreh shenakhti*, 60:167-194. [in Persian]

[خیاطیان، قدرت‌الله؛ سلیمانی کوشالی، فاطمه. (۱۳۹۴). «*جایگاه عشق در تفسیر عرایس‌البیان روزبهان بقلی*»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۶۰: ۱۶۷-۱۹۴.]

Milani, F. Vafaci, A. (2018). *A Role-Oriented Study Of Mystical Experiences Intuitive writings Discovery of Secret , and Revelations Of Al-Anwar*. (Ruzbihan Baqli Wrote His Autobiography). *Journal Adab*

Erfani. 2:87-116. [in Persian]
[میلانی، فرشته؛ وفا، عباس. (۱۳۹۷). «بررسی نقشگرایانه تجربه‌های عرفانی در روایت‌نویسی‌های شهودی کشف‌الاسرار و مکاشفات‌الانوار (زندگی‌نامه خودنوشت شهودی روزبهان بقی)». فصلنامه ادب عرفانی، ۲: ۸۷-۱۱۶.]

Nayeri, Y. Rouhangiri, L. (2012). Comparing Ruzbihans Mystical Interpretations in Abhar al-ashqin. Journal Bostan Adab. 3:2-27. [in Persian]
[نیری، یوسف؛ روغن‌گیری، لیلا. (۱۳۹۱). «مقایسه تأویل‌های عرفانی روزبهان در عهده‌العاشقین». فصلنامه بوستان ادب، ۳: ۲-۲۷.]

Pazouki, Sh. (2012). Maystical Approach to Islamic Art. In essays on the nature of Islamic art. By effort Rbiei, H. fourth edition. Tehran: Academy of arts. [in Persian]
[پازوکی، شهرام. (۱۳۹۱). «رویکرد عرفانی به هنر اسلامی. در جستارهایی در چپستی هنر اسلامی». به کوشش هادی ربیعی]. چاپ چهارم، تهران: فرهنگستان هنر.]

Pazouki, Sh. (2011). The Wisdom of Beauty and art in The school of Shiraz based on Two Books by Abhar al – Ashqin Ruzbihan Baqli Shirazi and Dorato al- Taj Qutb al-Din Shirazi Journal Javidan Kherad. 20:5-18. [in Persian]
[پازوکی، شهرام. (۱۳۹۰). «حکمت زیبایی و هنر در مکتب شیراز براساس دو کتاب عهده‌العاشقین روزبهان بقی شیرازی و درةالتاج قطب‌الدین شیرازی». فصلنامه جاویدان خرد، ۲۰: ۵-۱۸.]

Sani, A. (1986). Ruzbihan Nameeh, Introduction mohammad Danesh pajooh, T. Tehran: Association of national artifacts. [in Persian]
[ثانی، عبدالطیف‌بن‌روزبهان. (۱۳۴۷). روزبهان‌نامه، مقدمه محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انجمن آثار ملی.]

Sohrevardi, Y. (2010). collection of Works of Sheikh ashraq. (Nasr, S.H. Trans). cultural studies. Tehran: Research Institute of Humanities and Cuitural Studies. [in Persian]
[سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۸۹). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. تصحیح و مقدمه سیدحسن نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.]

Shadmanan, M. Hassan Zadeeh, SH. Bighamali babalo,L. (2013). Examining The Concept of Love in The Works Ruzbihan Baqli. Jornal Erfan islami. 40:193-215. [in Persian]
[شادمانان، محمدرضا؛ حسن‌زاده، شهریار؛ بی‌غم علی بابالو، لطفعلی. (۱۳۹۲). «بررسی مفهوم عشق در آثار روزبهان بقی». فصلنامه عرفان اسلامی، ۴۰: ۱۹۳-۲۱۵.]

Shookri, H. Rahimi Zanganehm, E. Mobarak, V. (2020). The Influence of NeoPlatonic Ideas about Benefit and Export in The development of Al-tabas In Thought Ruzbihan Baqli Shirzi. Journal Hekmate mouaser. 2.:133-156. [in Persian]
[شکری، همایون؛ رحیمی زنگنه، ابراهیم؛ مبارک، وحید. (۱۳۹۹). «تأثیر اندیشه‌های نوافلاطونی در باب بهره‌مندی و صدور در وضع اصطلاح التباس در اندیشه روزبهان بقی شیرازی». فصلنامه حکمت معاصر، ۲: ۱۳۳-۱۵۶.]

Sheikh al-islami, A. Rezaei, M. (2011). The Interpretion of Araiso al-Bayan in The Facts of the Quan. journal Adab parsi, 6:39-56. [in Persian]
[شیخ‌الاسلامی، علی؛ رضایی، محمد. (۱۳۹۰). ادب فارسی، «بینش نقش‌اندیش روزبهان در تفسیر عرایس‌البیان فی حقایق القرآن». فصلنامه ادب فارسی، ۶: ۳۹-۵۶.]

Tamadoon, E. Ejehei, T. (2019). Examining the Manifestiong of God, beautiful and glorious attributes in the Ruzbihan Baqli.journal Pajoheshhay Adab parsi, 13: 85-110. [in Persian]
[تمدن، الهام؛ اژه‌ای، تقی. (۱۳۹۸). پژوهش‌های ادب عرفانی، «بررسی آثار تجلی صفات جمالی و جلالی خدا در سالک از دیدگاه روزبهان بقی». فصلنامه ادب عرفانی، ۱۳: ۸۵-۱۱۰.]

Tahmasbei, Y. Hekmat, Sh. Zaman Ahmadi, M. (2021). Aesthetics of Mystical Revelations in Abhar al-ashqin. Jurnal Zibaei Shenasi Adabi. 49: 31-68. [in Persian]
[طهماسبی، یسرا؛ حکمت، شاهرخ؛ زمان احمدی، محمدرضا. (۱۴۰۰). زیبایی‌شناسی ادبی، «زیبایی‌شناسی مکاشفات عرفانی در عهده‌العاشقین». فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، ۴۹: ۳۱-۶۸.]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی